

## سر آغاز

ریاضی ایران نیز در این زمینه می‌گوید: «از بعد از انقلاب فرهنگ‌نگی تاکنون بالغ بر ۱۷۶ مدال المپیادهای علمی را در سراسر جهان به دست آورده‌ایم که از این تعداد ۱۶۳ نفر آنان در کشور نیستند. (حکیمی پور، ۱۳۸۰)

پس باید با این مسئله با حساسیت و به گونه جدی برخورد کنیم و در جستجوی راهکار و راه حل باشیم.

این پژوهش ناظر به دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تهران است، زیرا این دانشگاه از مهمترین و معروفترین دانشگاه‌های ایران، چه از نظر سطح علمی و چه از نظر جذب افراد نخبه است و تحقیق ما مفاطع فوق لیسانس و دکتری را در بر می‌گیرد.

## پیشینه تحقیق:

در مورد مسائل مربوط به مهاجرت دانشجویان به خارج، کار چندانی صورت نگرفته است؛ فقط در چند سال اخیر اهمیت مسئله را تا اندازه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند. به هر روی، برخی کارهای صورت گرفته در این زمینه، به شرح زیر است:

۱- منصور شریفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، بررسی گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶؛

۲- بررسی میزان و عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت از کشور، مطالعه نظری همراه با تحقیقی در میان دانشجویان دانشگاه تهران، مسعودرجبی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰؛

۳- پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فروزنده صالحی، مروری بر پدیده فرار مغزها و علل مترتب بر آن؛

۴- فرار مغزها، فاتر صفری، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰؛

۵- عوامل مؤثر بر گرایش جوانان و نوجوانان به اشتغال در خارج از کشور، مصطفی ظهیری‌نیا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹؛

۶- کتاب فرار مغزها، مجید محمدی، انتقال معکوس تکنولوژی، ۱۳۷۹.

## تعریف مفاهیم:

۱- گرایش (attitude): گرایش عبارت از گونه‌ای آمادگی فکری و

سرمایه انسانی یکی از مهمترین عوامل توسعه و پیشرفت جامعه به‌شمار می‌آید؛ زیرا، عامل اصلی در بهره‌برداری درست از منابع و امکانات و بالا بردن بازده و عملکرد است، بر توسعه و پیشرفت کشور تأثیر سازنده دارد و می‌تواند کارگزار و عامل تغییر و تحول اجتماعی باشد.

در واقع، سرمایه انسانی هر کشور ثروت اصلی آن کشور است و از این دیدگاه، دانشگاه‌جویان و تحصیلکردگان مهمترین سرمایه کشور محسوب می‌شوند. اما از جمله مسائلی که برخی جوامع، بویژه کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند، مسئله مهاجرت نخبگان به خارج از کشور است که آن را پدیده «فرار مغزها» نامیده‌اند و کشور ما، ایران، نیز از آن آسیب دیده است. افزون بر این، در سالهای اخیر این مسئله و این تفکر در بین جوانان و نوجوانان و بویژه دانشجویان رسوخ یافته است. در تبیین اهمیت مسئله باید گفت: دانشجویان از صافی‌های گوناگون می‌گذرند و سرمایه‌گذاری‌های بسیار از سوی دولت می‌شود تا از میان هزاران دانش‌آموز، چنین افرادی پرورش یابند و چه هزینه‌هایی برای آموزش و تربیت آنها مصرف نمی‌شود؛ آنگاه زمان ثمردهی آنان که فرا می‌رسد، چون بر نامرئی مناسب برای بهره‌گیری از این سرمایه‌های انسانی نشده است، تحصیل کرده‌ها یا سرخورده می‌شود یا به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کند.

در این میان، کشورهای دیگر با سرمایه انسانی کشور ما پیشرفت می‌کنند و با شکار مغزهای کشورهای جهان سوم، علم و تکنولوژی پیشرفته به دست می‌آورند. شاید اغراق آمیز نباشد که گفته شود بسیاری از پیشرفتهای برخی کشورها، از جمله آمریکا و کانادا به سبب جذب مغزهای جهان سومی بوده است و اروپا به این نتیجه رسیده است که برای جذب مغزها از جهان سوم باید مانند آمریکا و کانادا عمل کند.

به گفته حسین میرزایی، رئیس انجمن دانش‌پژوهان «بررسی‌ها نشان می‌دهد که از بین ۲۷۲ دانشجویی که از طریق المپیادهای علمی به دانشگاه‌ها راه یافته‌اند، تاکنون ۵۵ نفر آنها برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند.» (وقتی اینجا خبری نیست... ۱۳۷۹) رئیس انجمن

**بررسی میزان و  
چگونگی تمایل به  
مهاجرت به خارج  
در میان دانشجویان  
دوره تحصیلات  
تکمیلی دانشگاه  
صنعتی شریف در  
سال ۸۳-۱۳۸۲**

علی محمد جوادی

## مروری بر پدیده فرار مغزها

پدیده جهانی شدن و فرار مغزها رابطه متقابل دارند. فرار مغزها خود پدیده‌ای است که می‌توان گفت روند جهانی شدن تا اندازه‌ای بر آن اثر دارد. مهاجرت افراد آموزش دیده نیز می‌تواند بعنوان پدیده‌ای مؤثر در توسعه جهانی شدن در نظر گرفته شود.

پژوهشی که در سال ۱۹۷۳ در مورد نگرش دانشمندان و متخصصان خاورمیانه‌ای مقیم آمریکا به انگیزه‌های مهاجرت صورت گرفته، دربرگیرنده این نکات بوده است:

۱- رسیدن به استانداردهای بالای زندگی برای فرزندان، ۶۰/۶ درصد

۲- بهتر کردن فرصتهای زندگی برای فرزندان، ۵۰/۶۸ درصد

۳- فرصتهای مطالعاتی ناکافی در وطن، ۴۳/۸ درصد

۴- کنجکاوی در مورد ایالات متحده آمریکا، ۴۶/۸ درصد

۵- بیزاری از شرایط سیاسی وطن، ۳۷ درصد (به نقل از شعبانلو، رحیم، ۱۳۸۰: ۲۸)

در گزارش اداره کل امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، علل فرار مغزها چنین شرح داده شده است:

۱- علل فرهنگی و اجتماعی:

نامناسب بودن فضای اجتماعی، بی‌توجهی به شأن دانش و دانشمند، الگوسازی و الگوپذیری از خارج، پایین بودن سطح علمی دانشگاهها و نبود ابزارهای تحقیقات و امکانات ادامه تحصیل، ارتباط نداشتن علم با صنعت و نبودن استادان با تجربه و کارآموده، بویژه در رشته‌های فنی.

۲- عوامل اقتصادی:

متفاوت بودن زندگی در غرب از جهت کیفی، امکانات مادی و میزان درآمد

۳- عوامل سیاسی

بی‌ثباتی سیاسی، تغییر سریع قوانین و مقررات، ناامنی فکری و برخورد نامناسب با اصحاب اندیشه

۱- عوامل جذب کننده در خارج:

امنیت شغلی، امکانات تحصیلی بیشتر، آزادیهای فردی (شعبانلو، رحیم، ۱۳۸۰: ۲۹)

۱-۲-۴- چارچوب نظری

عصبی است که بوسیله تجربه سازماندهی می‌شود و واکنشهای انسان در برابر همه پدیده‌ها و شرایطی که با آنها سروکار دارد، اثری جهت‌دهنده یا پویا می‌گذارد. (رفعی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۰)

در جای دیگر، گرایش چنین تعریف شده است: سیستمی از واکنشهای ارزیابی کننده و مبتنی بر اعتقادات و چارچوب‌هایی که بر پایه آن ارزیابی انجام می‌گیرد (اورعی زینب، ۱۳۸۰: ۱۰)

۲- مهاجرت:

در فرهنگ دهخدا در تعریف مهاجرت آمده است:

«ترك دیار گفتن، در مکان دیگر اقامت کردن.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۸۶۲)

۳- مهاجرت موقت:

مهاجرتی است که ثابت نباشد و پس از سپری شدن زمان آن، فرد دوباره به مکان نخستین برگردد، مانند دانشجویانی که برای تحصیل به خارج می‌روند و پس از پایان تحصیلات برمی‌گردند.

۴- مهاجرت دائم:

مهاجرت به قصد انتقال مکان به گونه قطعی است و مهاجر قصد بازگشت ندارد.

۵- گرایش به مهاجرت:

متأثر از یک رشته ارزشها، بستگی‌ها و ویژگی‌های شخصی و برداشتها و ارزیابی‌های فردی از شرایط و مسایل جامعه و نیز شرایط خارج از کشور است. (شریفی، منصور، ۱۳۷۵: ۱۱)

۶- فرار مغزها brain drain:

با توجه به موضوع تحقیق لازم است از اصطلاح فرار مغزها تعریفی کوتاه به دست داده شود:

مهاجرت متخصصان، دانشمندان، مهندسان، فیزیکدانان و... از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته، فرار مغزها نامیده می‌شود (اسماعیلی و گرشاسبی، ۱۳۷۸).

۷- مهاجرت از جهت مرزی و جغرافیایی:

مهاجرت بین‌المللی: گذشتن از مرزهای یک کشور و وارد شدن به خاک کشور دیگر.

مهاجرت محلی یا داخلی: در داخل مرزهای یک کشور خاص صورت می‌گیرد.

مهاجرت متخصصان یا نخبگان گونه‌ای از مهاجرت بین‌المللی است.

## ○ دانشجویان از

صافی‌های گوناگون

می‌گذرند و

سرمایه‌گذاری‌های بسیار از

سوی دولت می‌شود تا از

میان هزاران دانش‌آموز،

چنین افرادی پرورش یابند

و چه هزینه‌هایی برای

آموزش و تربیت آنها

مصرف نمی‌شود؛ اما زمان

ثمردهی آنان که فرا

می‌رسد، چون برنامه‌ریزی

مناسب برای بهره‌گیری از

این سرمایه‌های انسانی

نشده است، تحصیل کرده

ما یا سرخورده می‌شود یا به

کشورهای دیگر مهاجرت

می‌کند.

هدف از چارچوب نظری این است که بتوانیم با توجه به آن، متغیرهای خود را بشناسیم و آنها را به کار بندیم. در اینجا برخی نظرات مطرح شده در مورد گرایش و مهاجرت مطرح می‌شود:

الف: گرایش: «تزیشو کرومکا» گرایش را دارای سه بُعد می‌دانند:

(۱) شناختی، (۲) عاطفی و (۳) رفتاری  
بُعد شناختی، یعنی آنچه شخص در مورد موضوع می‌داند.

منظور از بُعد رفتاری این است که شخص نسبت به آن موضوع چگونه عمل می‌کند.  
منظور از بُعد عاطفی، چگونگی احساس شخص درباره آن موضوع است (صدیق اورعی زینب، ۱۹: ۱۳۸۰).

تئوری فیشن باین آیزن: در این تئوری گرایش تابع این عوامل زیر است:

۱- انتظار فایده: شخص تا چه اندازه از یک پدیده انتظار فایده دارد.

۲- ارزیابی فایده: شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده برای او فایده داشته است یا نه.

۳- هنجار ذهنی: منظور نفوذ و فشار اجتماعی است (رفیعی پور، فرامرز ۷۶: ۱۰).

در این پژوهش از تئوری تزیشو کرومکا استفاده کرده‌ایم.

ب) مهاجرت:

۱- نظریه جاذبه و دافعه:

این نظریه ناظر به جذب و دفع و کشش و رانش است و نخستین بار اورت لی آن را مطرح کرد. او معتقد است که مهاجرت به معنی تغییر دائم یا به نسبت دائمی محل اقامت است. هر مهاجرت از دید او مبدأ و مقصدی دارد و نیز سلسله‌ای از عوامل در آن نقش دارند. لی با ارائه یک طرح جامع، چنین فرض می‌کند که مناطق مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبت و منفی (جذب و دفع) هستند (به نقل از گودرزی، سعید، ۱۲: ۱۳۸۰) و اثر هر یک از این عوامل بر شخصیت و ویژگی‌های فردی، مانند سن، تحصیلات، سطح مهارت، جنس، نژاد، گروه قومی و... متفاوت است. در این مدل، سه دسته از عوامل، مهاجرت متخصصان را مشخص می‌کند:

عوامل جذب کننده

عوامل دفع کننده

عوامل فردی

۲- نظریه نظام جهانی:

این نظریه را اورشتاین مطرح کرده و مهاجرت بین المللی را ناشی از ناموزون بودن انباشت سرمایه و سطح توسعه می‌داند. بنابراین جریان ورود سرمایه از کشورهای سرمایه داری به کشورهای پیرامونی یا جریانهای فردی مهاجران همراه است. (چلیبی، مسعود، ۱۳۷۰: ۳۰۰)

۳- نظریه اقتصاد خرد نئو کلاسیک:

اعمالان و کنشگران تصمیم به مهاجرت می‌گیرند، زیرا محاسبه هزینه و سود سبب می‌شود که افراد جایی را انتخاب کنند که با توجه به مهارتشان ثمر بخش تر است. اما پیش از آنکه بتوانند دستمزدهای بالاتری را همراه با بهره‌وری بیشتر کار به دست آورند، چه بسا باید هزینه‌هایی چون هزینه سفر و تأمین زندگی را بپردازند. پس مهاجر به جایی می‌رود که بازدهی خالص مورد انتظار از مهاجرت، بیشترین باشد (رجبی، مسعود ۱۳۸۰: ۳۵).

بر پایه این نظریه، هر چه هزینه‌های سفر کمتر باشد، بازدهی خالص مهاجرت افزایش می‌یابد؛ بنابراین، احتمال حرکت بین المللی بیشتر می‌شود. در این پژوهش از تئوری اورت لی برای بررسی مسئله مهاجرت بهره گرفته‌ایم.

روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات:

با توجه به موضوع و هدفهای پژوهش، به این امر پرداخته شده و تحقیق از نوع پیمایش و مقطعی است. از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده کرده‌ایم.

واحد تحلیل در این پژوهش فرد و سطح تحلیل خرد است.

جامعه آماری مادانشجویان دوره دکتری و فوق لیسانس دانشگاه صنعتی شریف هستند.

از شیوه نمونه گیری تصادفی ساده استفاده کرده‌ایم و حجم نمونه مادر این تحقیق ۶۰ نفر است.

یافته‌های تحقیق

پایین ترین و بالاترین سن افراد پرسش شونده، ۲۲ سال و ۴۱ سال و میانگین سن افراد ۲۵ سال است.

شمار زنان پرسش شونده ۴۰ تن و شمار مردان ۲۰ تن است.

از افراد پرسش شونده ۴۲ تن مهاجرند و ۱۸ نفر

○ شاید اغراق آمیز نباشد که گفته شود بسیاری از پیشرفت‌های برخی کشورها، از جمله آمریکا و کانادا به سبب جذب مغزهای جهان سومی بوده است و اروپا به این نتیجه رسیده است که برای جذب مغزها از جهان سوم باید مانند آمریکا و کانادا عمل کند.

آنان از دواج کرده‌اند؛ همچنین ۱۸ نفر در مقطع دکتری و ۴۲ نفر در مقطع فوق لیسانس هستند.

متغیرهای بعدی که در جدول شماره یک آمده، به دو بخش تقسیم شده است: یکی مربوط به نظر پاسخگویان در مورد این متغیر هادر جامعه ماست؛ یعنی تاجه اندازه‌ها باین متغیر موافق اندو تاجه اندازه مخالف، و دیگر اهمیت متغیر مورد نظر برای مهاجرت به خارج است؛ این متغیر تاجه اندازه در مهاجرت دانشجویان به خارج مؤثر است؛ مورد اول را به این صورت طیف بندی کرده ایم: مخالفم، تا اندازه‌های مخالفم، نظری ندارم، تا اندازه‌های موافقم، موافقم. ما به «مخالفم» نمره یک داده ایم؛ یعنی به کسانی که با گویه مورد نظر مخالف بوده اند و ارزیابی منفی نسبت به آن متغیر داشته اند. نمره ۲ برای کسانی است که تا اندازه‌های با آن گویه مخالف بوده اند. نمره ۳ برای افرادی است که نظری نسبت به آن گویه نداشته اند. نمره ۴ برای کسانی است که با گویه مورد نظر تا اندازه‌های موافق بوده اند. نمره ۵ برای افرادی است که با آن گویه موافق بوده اند. برای خلاصه کردن نیز از توصیف فراوانی داده‌ها خودداری شده و به میانگین آنها بسنده کرده ایم، در نتیجه، میانگین‌هایی که در جدول شماره ۲ آمده، از ۱ تا ۵ است که هر چه به ۱ نزدیک باشد، دارای ارزیابی منفی نسبت به متغیر است و هر چه به ۵ نزدیکتر باشد، ارزیابی نسبت به متغیر مثبت تر. بخش دوم با معیارهای زیاد، تا اندازه‌های کم، اصلاً، رتبه بندی شده است که نمره ۴ نشان دهنده شدت زیاد اهمیت متغیر مطرح شده برای مهاجرت است. نمره ۳ نشان دهنده اهمیت نسبی آن متغیر، نمره ۲ به مفهوم کم اهمیت بودن آن متغیر و نمره ۱ به معنی اهمیت نداشتن متغیر از نظر پاسخگویان است.

میانگین هر يك از متغیر هادر جدول شماره ۱ آمده و میانگین هر گویه حاکی است که در مجموع، پاسخگویان چه نظری نسبت به آن گویه داشته اند. میانگینی که در جدول مربوط به این متغیر هادر نظر گرفته شده، از ۱ تا ۴ است که هر چه به ۱ نزدیک تر باشد، نشان دهنده کم اهمیت بودن آن متغیر است و هر چه به عدد ۴ نزدیک تر باشد، نشان می دهد که آن گویه برای پاسخگویان اهمیت بیشتری دارد.

بر اساس جدول شماره ۱، بیشترین متغیری که در مهاجرت به خارج برای پاسخگویان اهمیت

داشته، بودجه کافی برای تحقیقات در داخل است که میانگینی برابر با ۳/۷۱ در نزد دانشجویان دارد. پس از آن، توجه بیشتر به علم در خارج و جایگاه دانشمندان در داخل (کم اهمیت بودن جایگاه دانشمندان در داخل) است که نشان دهنده اهمیت محیط علمی و نیز اهمیت علم و عالم در مهاجرت است. سپس متغیر وجود فرصت بیشتر برای تحقیق، امکانات آزمایشگاهی و استفاده بیشتر از توان علمی در خارج، به همین نحو در جدول متغیرها مطرح شده است.

بیشترین متغیری که برای پاسخگویان اهمیت دارد مصرف بهینه بودجه تحقیقاتی در داخل است که میانگینی برابر با ۱/۲۲ دارد. این متغیر نشان دهنده این است که پاسخگویان عقیده دارند بودجه به گونه بهینه برای تحقیقات مصرف نمی شود. پس از این متغیر، وجود بودجه کافی برای تحقیقات در داخل است که میانگین آن (از ۱ تا ۵) برابر با ۱/۳ است و نشان می دهد که پاسخگویان معتقد نیستند که بودجه لازم در داخل برای تحقیقات مصرف شود. در ارزیابی از شرایط خارج، وجود بودجه کافی برای تحقیقات در خارج دارای اهمیت و میانگین آن برابر با ۴/۹ است و نشان دهنده موافقت بسیار شدید پاسخگویان با این گویه است. پس از آن، بهره گیری بیشتر از توان علمی در خارج است که میانگین آن ۴/۸۹ است و این نشان می دهد که برای پاسخگویان، امکانات علمی و جایگاه دانش در جامعه بسیار اهمیت دارد. بر سر هم می توان گفت که میانگین متغیرهای ارزیابی از شرایط داخل که ۱/۵۹ است و نشان دهنده ارزیابی منفی نسبت به داخل است و ارزیابی از شرایط خارج که برابر با ۴/۴۹ است، نشان می دهد که ارزیابی از شرایط خارج بسیار مثبت است.

متغیرهای مربوط به گرایش افراد به مهاجرت بر اساس طیف لیکرت سنجیده و کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، یعنی از ۱ تا ۵ کد گذاری شده است. با توجه به جدول شماره ۲، میانگین متغیر «به خاطر حقی که کشور مان بر ما دارد (وطن دوستی)» برابر با ۲/۷۱ و در حد پایینی است و میانگین متغیر «ماندن به لحاظ مذهبی» برابر با ۲/۳۸ است و میانگین متغیر «به دنبال رشد و ترقی بودن حتی اگر کشور خارجی باشد» برابر با ۳/۹۳ و در حد بالایی است. متغیر «رفتن به

○ پدیده جهانی شدن و فرار مغزها رابطه متقابل دارند. فرار مغزها خود پدیده‌ای است که می توان گفت روند جهانی شدن تا اندازه‌های بر آن اثر دارد. مهاجرت افراد آموزش دیده نیز می تواند بعنوان پدیده‌ای مؤثر در پروسه جهانی شدن در نظر گرفته شود.

اهمیت مهاجرت (میانگین از ۱ تا ۴)	میزان موافقت پاسنکوویان (میانگین از ۱ تا ۵)	متغیر
۳/۷	۱/۴۱	جایگاه دانشمندان در داخل
۳/۵	۱/۲۷	امکانات و خدمات رفاهی در داخل
۳/۵۲	۱/۵۱	تناسب تخصص و وضع شغلی در داخل
۲/۴۹	۲/۷۸	امنیت اجتماعی در داخل
۲/۴۵	۳/۳	زمینه مناسب برای تربیت درست فرزندان در خارج
۲/۹۵	۴/۲۵	زمینه مناسب برای تحصیل فرزندان در خارج
۳/۷	۴/۸۳	توجه بیشتر به علم در خارج
۳/۱	۴/۱۸	آزادی بیان و اندیشه در خارج
۳/۳	۴/۷۲	سطح علمی بالاتر دانشگاههای خارج نسبت به داخل
۳/۳۳	۱/۵۶	وجود استادان مجرب در داخل نسبت به خارج
۳/۵	۱/۳۵	مناسب بودن درآمد قشرهای تحصیلکرده در داخل
۳/۱	۱/۵۸	توزیع شغلها در داخل بر اساس مهارتهای افراد است
۳/۵	۱/۴	ارتباط میان علم و صنعت در داخل
۳/۶	۴/۷۷	امکانات آزمایشگاهی در خارج
۳/۴۲	۴/۵۷	حقوق اجتماعی افراد در خارج بہتر از داخل رعایت می شود
۳/۴۲	۲/۱۸	توجه کافی مسئولان به خواستههای قشرهای تحصیلکرده در داخل
۳/۵۳	۴/۸۹	بهره گیری بیشتر از توان علمی در خارج
۳/۷۱	۱/۳۰	- وجود بودجه کافی برای تحقیقات در داخل
۳/۴۲	۱/۲۲	بهینه مصرف شدن بودجه تحقیقات
۳/۶۵	۴/۹	وجود فرصت بیشتر برای تحقیقات در خارج نسبت به داخل
۲/۷	۲/۱۳	وجود اوقات فراغت در داخل نسبت به خارج
۳/۳	۱/۵۸	محدود بودن آزادی فردی در داخل نسبت به خارج

○ بیشترین عوامل مهاجرت دانشجویان به خارج، مربوط به شاخص احساس تعلق دانشجویان به علم و موقعیت دانشمندان در داخل است که افکارشان را به کشورهای خارجی معطوف می کند و چنان که دیده می شود، شرایط داخل هم در زمینه های گوناگون از دید دانشجویان بسیار منفی ارزیابی شده است.

## منابع و مآخذ

- اسماعیلی، محمدرضا و گرشاسبی، بیتا، «گسترده‌گی فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه»، عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۱۱/۲۵

- اورعی، زینب (۱۳۸۰) «سنجش نگرش دانش‌آموزان به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن»، طرح پژوهشی، مشهد - چلیبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی

- حکیمی‌پور، ابوالقاسم، «بحران بیکاری و فرار مغزها تشدید شده است»، رسالت، ۱۳۸۰/۲/۹

- دهخدا (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- رجیبی، مسعود (۱۳۸۰)، «سنجش گرایش دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران نسبت به مهاجرت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران - رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، «سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی»، تهران، نشر جهاد

- شریفی، منصور (۱۳۷۶)، «سنجش گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران نسبت به مهاجرت به خارج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

- شعبانلو، رحیم (۱۳۸۰)، «سنجش گرایش دانشجویان نسبت به مهاجرت به خارج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

- گودرزی، سعید (۱۳۸۱)، «سنجش گرایش مهاجرت روستائیان به شهرستان توسیرکان و عوامل مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

- میرزایی، حسین، «وقتی اینجا خبری نیست، آیا در غرب خبری است؟»، کار و کارگر، ۱۳۷۹/۴/۲۵

یک کشور خارجی برای ادامه تحصیل در صورت فراهم شدن موقعیت، میانگینی برابر با ۳/۷۵ دارد که نشان می‌دهد که دانشجویان به ادامه تحصیل در خارج تمایل زیادی نشان می‌دهند.

گذشته از سنجش متغیر «ادامه تحصیل در یک کشور خارجی»، درباره موقت یا دائم بودن اقامت در خارج هم پرسیدیم که ۲۰/۷ درصد از پاسخگویان قصد اقامت دائم و ۷۹/۳ درصد قصد اقامت موقت در خارج داشته‌اند.

## نتیجه‌گیری:

با توجه به آماره‌های توصیفی، بیشترین

عوامل مهاجرت دانشجویان به خارج، مربوط به شاخص احساس تعلق دانشجویان به علم و موقعیت دانشمندان در داخل است که افکارشان را به کشورهای خارجی معطوف می‌کند و چنان که دیده می‌شود، شرایط داخل هم در زمینه‌های گوناگون از دید دانشجویان بسیار منفی ارزیابی شده است. نکته‌ای که نباید از آن چشم‌پوشید، موقت یا دائم بودن اقامت در خارج است که نزدیک به ۸۰ درصد پاسخگویان قصد اقامت موقت در خارج را دارند. البته این قصد مربوط به پیش از رفتن به خارج و آشنا شدن با محیط آن است، ولی باز جای امیدواری است که دانشجویان علاقمندند دانش خود را در اختیار کشورشان قرار دهند. پس باید بکوشیم زمینه‌های توجه بیشتر به جایگاه دانش و دانشمندان را در داخل و همه چیزهایی که در زیرمجموعه علم قرار می‌گیرد، فراهم آوریم.

○ رئیس انجمن ریاضی ایران: از انقلاب فرهنگی تا سال ۱۳۸۰ بیش از ۱۷۶ مدال در المپیادهای علمی در سراسر جهان به دست آوردیم؛ ولی ۱۶۳ تن از این مدال‌آوران در کشور نیستند.

## جدول شماره ۲: متغیرهای مربوط به تمایل افراد به مهاجرت به خارج

متغیر	میانگین
به سبب حقی که کشور برگردن ما دارد، بمانیم و خدمت کنیم	۲/۷۱
به لحاظ مذهبی بمانیم	۲/۳۸
برای رشد و ترقی باید به دنبال جایی بود، حتی اگر یک کشور خارجی باشد	۳/۹۳
در صورت فراهم شدن موقعیت، برای تحصیل به خارج خواهیم رفت	۳/۷۵